

به جای سرمقاله:

## گزارشی از چکیده مقاله‌های اهدایی به مناسبت بزرگداشت مقام علمی استاد دکتر سید حسین صفایی



### مقدمه

این یادداشت به بررسی ساختار علمی و اجرایی همایشی می‌پردازد که به‌منظور تجلیل از مقام علمی و خدمات ارزنده استاد فرهیخته حقوق، دکتر سید حسین صفایی به همت پژوهشکده حقوق و قانون ایران برگزار گردید. در این همایش، مجموعه‌ای از مقاله‌های علمی توسط شاگردان، همکاران و علاقه‌مندان به ساحت علمی استاد تدوین و ارائه شد؛ مقالاتی که هر یک در حوزه‌ای از مباحث حقوق به تبیین و تحلیل موضوعات اساسی پرداخته و در عین حال جلوه‌ای از تأثیر مکتب فکری استاد صفایی بر ادبیات حقوقی ایران را منعکس می‌سازد. این مجموعه به صورت کتابی با عنوان «پیشرفت‌های حقوق خصوصی» تدوین و توسط انتشارات داد و دانش منتشر شد.

از این منظر، یادداشت حاضر ضمن مرور ابعاد علمی و اجرایی همایش، گزارشی از محتوای این کتاب ارزشمند و چکیده‌ای از مقاله‌های منتشرشده را ارائه می‌دهد؛ مجموعه‌ای که هم به عنوان ادای دین به مقام علمی استاد صفایی و هم به مثابه گامی در جهت اعتلای ادبیات حقوقی معاصر ایران قابل ارزیابی است.

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی  
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۴  
(مطالب عمومی)

[www.jpil.llrc.ac.ir](http://www.jpil.llrc.ac.ir)

DOI:  
10.22034/jpl.2025.729772

## ۱. ساختار و سازمان‌دهی همایش

این همایش با سه رکن اصلی شامل شورای سیاست‌گذاری، کمیته علمی و دبیرخانه فعالیت خود را آغاز کرد. ساختار مذکور از تاریخ ۱۳ اسفند ۱۴۰۲ تشکیل شد و تا پایان برگزاری همایش و انتشار مجموعه مقاله‌های اهدایی به استاد در قالب کتاب پیشرفت‌های حقوق خصوصی به فعالیت ادامه داد.

**شورای سیاست‌گذاری** همایش متشکل از سه تن از صاحب‌نظران برجسته حقوق بود:

۱. حضرت آیت‌الله دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورای سیاست‌گذاری)

۲. جناب آقای دکتر حسین مهرپور (دبیر علمی همایش)

۳. جناب آقای محمد درویش‌زاده (دبیر اجرایی همایش)

**کمیته علمی** همایش نیز بر اساس حروف الفبا شامل ۲۴ عضو بود که عبارتند از: علیرضا آذربایجانی، ربیعا اسکینی، محسن اسماعیلی، نجادعلی الماسی، محمد باقر پارساپور، خیرالله پروین، محمدهادی جواهرکلام، محمدجعفر حبیب‌زاده، سعید حبیبیا، محمد درویش‌زاده، حبیب‌الله رحیمی، محمد جواد شریعت باقری، مرتضی شهبازی‌نیا، محمود صادقی، محمود عباسی، اصغر عربیان، محمد عیسانی تفرشی، مجید غمامی، عباس کریمی، همایون مافی، محسن محبی، حسن محسنی، سید مصطفی محقق داماد و حسین مهرپور

## ۲. توصیف کتاب پیشرفت‌های حقوق خصوصی

کتاب پیشرفت‌های حقوق خصوصی حاوی مجموعه مقاله‌های اهدایی به استاد دکتر سید حسین صفایی است. این کتاب در ۹۹۱ صفحه تدوین شده و شامل ۳۳ مقاله و ۲ یادداشت می‌باشد.

در آغاز کتاب، پیشگفتاری با عنوان «صفایی، صفای عصر ما» به قلم و امضای مشترک آقایان دکتر حسین مهرپور، آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد و محمد درویش زاده آمده است. پس از آن، مقاله‌ای با عنوان روایتی از زندگانی استاد دکتر سید حسین صفایی، به قلم محمدجواد درویش زاده درج شده است. این یادداشت ضمن پرداختن به تبار خانوادگی، سیر علمی و اندیشه‌ورزی استاد، گزارشی از مسئولیت‌های علمی و مدیریتی ایشان، جوایز و افتخارات علمی، و فعالیت‌های حرفه‌ای وی ارائه می‌دهد. در این یادداشت، روش‌شناسی استاد با ۱۹ ویژگی تحلیل شده، همچنین ۲۹ اثر مکتوب، ۱۱۶ مقاله علمی و ۶۳ نظریه حقوقی ابتکاری وی معرفی و تبیین گردیده است.

پس از دو یادداشت آغازین، مجموعه‌ای مشتمل بر ۳۳ مقاله در قالب هشت محور موضوعی در کتاب منتشر شده است. این محورها بر اساس حروف الفبا سامان یافته و مقاله‌های هر محور نیز به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شده‌اند. عناوین محورها بدین شرح است: آیین دادرسی مدنی، حقوق اشخاص و اموال، حقوق تطبیقی، حقوق خانواده، حقوق قراردادهای، حقوق مالکیت فکری، حقوق مسئولیت مدنی، داوری داخلی و داوری تجاری بین‌المللی و سایر موضوعات. در ادامه، چکیده مقاله‌ها مطابق با همین نظم ارائه خواهد شد.

۱. «اقتضائات، مبنای اعتباربخشی به ادله احکام و ادله اثبات دعوا» به قلم دکتر اصغر عربیان: این مقاله به بررسی جایگاه ادله احکام و ادله اثبات در شرع می‌پردازد. نویسنده توضیح می‌دهد که اعتباربخشی به ظنون خاص برای کشف و بیان حکم شارع، با وجود تعارض ظاهری با اصل عدم اعتبار ظنون، به دلیل ضرورت عمل بر اساس احکام الهی تشریح شده است. در حوزه ادله اثبات نیز شرع، بینات به معنای اعم و سوگند را ابزار اصلی ختم دعوا معرفی کرده و در روایات نخستین، بینه به معنای دو شاهد عادل مرد دانسته شده است. به مرور زمان، با توجه به موضوعات مختلف و برای جلوگیری از تضییع

حق مسلمانان، شرایط و تعداد شهود و حتی میزان اعتبار آن‌ها تغییر یافته است. مقاله نتیجه می‌گیرد که تغییر شکل دعاوی و ترافع در جامعه موجب ضرورت تحول در ادله مثبت حق شده و اعتباربخشی به ابزارهای جدید اثبات نه تنها مغایر با مقاصد شارع نیست، بلکه از ضروریات عقلانی تقنین به‌شمار می‌رود.

۲. «صلح دعوا (عناصر خاص، ویژگی‌ها و تمییز آن از اعمال مشابه)» به قلم دکتر حسن محسنی: صلح عقدی لازم و در عین حال مسامحه‌ای و تعاهدی است. در عقد صلح نوعی سازش، به معنای آرامش، نهفته است؛ بنابراین دو طرف باید با قصد صلح، با گذشت متقابل و اعلام آن، درباره دعوای موجود یا احتمالی سازش کنند. فهم این عناصر و شناخت این ماهیت در ترویج صلح و سازش، که غایت قوانین در این خصوص است، مؤثر بوده و مانع بروز اختلافات دیگر درباره تحقق و اثر صلح می‌شود. با وجود آن‌که اثر و محصول صلح و سازش شبیه اثر حکم دادگاه است، صلح معادل دادرسی نیست؛ از این رو نباید با داوری یا ارجاع به سوگند مقایسه شود و نباید چنین تصور گردد که نتیجه استرداد دعوا، حتی در فرضی که قانوناً قرار سقوط دعوا صادر می‌شود، عقد صلح است. صلح در مقام اختلاف و دعوا، عناصر و ماهیتی متفاوت دارد.

۳. «ایستایی و پایان‌پذیری اجرای حکم مدنی با فوت و حجر دادبرده» به قلم دکتر سید عباس موسوی: این مقاله به بررسی دو پدیده فوت و حجر به‌عنوان عوامل مؤثر در قلمرو «طواری» در حقوق آیینی می‌پردازد. نویسنده با استناد به ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳۱ قانون اجرای احکام مدنی نشان می‌دهد که این رخدادهای پیش‌بینی نشده می‌توانند روند دادرسی یا عملیات اجرایی را با ایستایی و حتی پایان‌پذیری مواجه کنند. با وجود اهمیت این موضوع، به دلیل تصور کم‌تأثیری آن در اجرای احکام، کمتر مورد توجه قانون‌گذار و دکنترین قرار گرفته است. مقاله با تحلیل نمونه‌های عینی تأکید می‌کند که فوت یا حجر دادبرده می‌تواند سرنوشت پرونده‌های اجرایی را دگرگون

سازد و نیازمند توجه جدی پژوهشگران و مجریان حقوق دادرسی است. در نهایت، نویسنده ارزش بررسی این دو پدیده را نه تنها در پر کردن خلأ پژوهشی، بلکه از حیث تلاقی آن‌ها با حوزه‌های حقوق دادرسی، حقوق مدنی و حقوق اجرا برجسته می‌سازد.

۴. «مقررات حاکم بر ادغام شرکت‌های تجاری در حقوق ایران و انگلیس» به قلم دکتر محمد عیسایی تفرشی: این مقاله به بررسی مفهوم و شیوه‌های ادغام در شرکت‌های تجاری، به‌ویژه شرکت‌های سهامی، می‌پردازد. ادغام در معنای اصطلاحی و موسع خود به کنترل یک یا چند شرکت توسط شرکت دیگر اطلاق می‌شود و به دو شکل کلی قابل تحقق است: ادغام واقعی (قانونی) که در آن شرکت یا شرکت‌های ادغام‌شونده منحل و محو شده و تمامی حقوق و تعهداتشان به شرکت بازمانده یا جدید منتقل می‌شود، و ادغام عملی که از طریق خرید یا تحصیل سهام و دارایی صورت می‌گیرد، بدون آن که شخصیت حقوقی شرکت‌های طرف قرارداد از میان برود. بدین ترتیب، شرکت‌های سهامی می‌توانند یا با محو شخصیت حقوقی شرکت‌های دیگر و یا بدون محو آن‌ها کنترل را به دست آورند. مقاله ضمن بررسی مقررات مرتبط در حقوق انگلستان، از جمله قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ و قانون شرکت‌های ۲۰۰۶، به وضعیت حقوقی ادغام در ایران نیز پرداخته و به مقررات ماده ۱۱۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰ و سایر قوانین مرتبط در حوزه شرکت‌های تعاونی و شرکت‌های تجاری بخش دولتی و خصوصی اشاره می‌کند.

۵. «تحقیق و بررسی تولید مثل انسان با شبیه‌سازی» به قلم دکتر اسدالله امامی، این مقاله به بررسی مفهوم تولید مثل یا شبیه‌سازی به‌عنوان روشی مصنوعی و غیر طبیعی می‌پردازد که در علوم زیستی و پزشکی معاصر کاربردهای متنوعی یافته است. نویسنده با تأکید بر جنبه‌های مثبت این دستاورد علمی، به نقش شبیه‌سازی اعضای بدن در اعاده سلامت بیماران و مصدومان ناشی از حوادث طبیعی و صنعتی اشاره می‌کند و آن را یکی از بزرگ‌ترین خدمات دانش بشری می‌داند. این پیشرفت‌ها نتیجه تلاش و تفکر پژوهشگران

برجسته‌ای است که با نوآوری‌های خود امکان جایگزینی اعضای آسیب‌دیده با اعضای شبیه‌سازی شده را فراهم کرده‌اند. در عین حال، مقاله هشدار می‌دهد که استفاده نادرست از این دستاوردها، به‌ویژه در حوزه شبیه‌سازی انسان، می‌تواند پیامدهایی ویرانگر برای شخصیت و کرامت بشری، عواطف انسانی و نظم اجتماعی به همراه داشته باشد. به همین دلیل، نویسندگان ضمن تفکیک میان شبیه‌سازی مفید اعضای بدن و شبیه‌سازی تمام انسان، بر ضرورت ممانعت جدی از این پدیده دوم تأکید می‌ورزد و خواستار تدوین و اجرای قوانین کیفری مؤثر در سطح جهانی برای جلوگیری از گسترش آن می‌شود. در یک جمع‌بندی کلی، مقاله شبیه‌سازی را دوگانه‌ای میان امکان‌های ارزشمند علمی برای خدمت به انسان و خطرهای جدی برای اخلاق، کرامت انسانی و نظم اجتماعی می‌داند و پیشنهاد می‌کند جوامع با نگاه متوازن و مبتنی بر حقوق و اخلاق، به بهره‌برداری صحیح از این ظرفیت‌ها پرداخته و در عین حال راه هرگونه سوءاستفاده را ببندند.

**۶. «رهای زوجه؛ ارتداد یا طلاق»** به قلم رضا ولویون: این مقاله به بررسی حدیث نبوی «الطَّلَاقُ بَيِّدٌ مَنْ أَخَذَ بِالسَّاقِ» و تأثیر آن بر مباحث فقهی و حقوقی طلاق می‌پردازد. نویسندگان نشان می‌دهد که فقهای امامیه، از جمله شهید ثانی و صاحب جواهر، از این حدیث حصر و انحصار حق طلاق برای زوج را استنباط کرده و حتی در صورت عسر و حرج زوجه نیز او را فاقد حق طلاق دانسته‌اند، تا آنجا که به حیلۀ شرعی ارتداد زوجه متوسل شده‌اند؛ رویکردی که با فلسفه فقه - یعنی حفظ دین، عقل، نفس، مال و عرض - در تعارض قرار می‌گیرد. در ادامه توضیح داده می‌شود که برخی فقهای معاصر مانند آیت‌الله سید کاظم یزدی قاعده عسر و حرج را در زندگی زناشویی جاری دانسته و قانون‌گذار ایران نیز در تدوین مواد ۱۱۲۹، ۱۰۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی از این رویکرد الهام گرفته است. مقاله نتیجه می‌گیرد که از حدیث نبوی یادشده مفهوم حصر حق طلاق برای زوج قابل استنباط نیست و زوجه نیز می‌تواند از طریق خلع یا به استناد قاعده عسر و حرج از زوج

جدا شود. در این زمینه، ابن رشد نیز به برابری حقوقی زن و مرد در طلاق اشاره کرده است. نویسندگان با استناد به آیات متعدد قرآن، به ویژه آیه ۷۸ سوره حج «ما جعل علیکم فی الدین من حرج»، تأکید می‌کند که هر وضعیتی که ادامه زندگی مشترک را برای یکی از طرفین طاقت‌فرسا سازد می‌تواند از موجبات طلاق به شمار آید و محاکم امروز نیز در رسیدگی به دعاوی طلاق، ملزم به بررسی همین معیار کلی هستند.

**۷. «حکم تکلیفی و وضعی استقراض»** به قلم آیت‌الله دکتر سید مصطفی محقق داماد. این مقاله به پرسشی بنیادین می‌پردازد: اگر در عقد قرض، قرض‌گیرنده قصد عدم پرداخت داشته باشد، آیا عقد صحیح است یا باطل؟ اهمیت این پرسش در آن است که در فرض بطلان، ید قرض‌گیرنده مالکانه محسوب نمی‌شود و کلیه منافع و دستاوردهای ناشی از عقد به ملکیت قرض‌دهنده بازمی‌گردد. نویسندگان با بررسی دو نظر مشهور فقهی در این زمینه، به این نتیجه می‌رسد که قصد عدم پرداخت با التزام به عقد سازگار نیست. در پایان نیز با طرح پرسش‌هایی برای ادامه بحث، نظریه‌ای تفصیلی و ابتکاری ارائه می‌کند.

**۸. «گونه‌شناسی معاملات به قصد فرار از دین»** به قلم دکتر محمد مهدی الشریف: این مقاله به تحلیل وضعیت حقوقی معامله به قصد فرار از دین در پرتو ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ می‌پردازد. نویسندگان با بررسی فروع مختلف این نوع معاملات نشان می‌دهد که حکم ماده ۲۱ صرفاً ناظر به دو حالت خاص است و قابلیت قاعده‌سازی عام ندارد. بر اساس مبانی فقهی و ماده ۶۵ قانون مدنی، تنها تصرفات مجانی یا محاباتی به قصد فرار از دین غیرنافذ تلقی می‌شوند و از شمول ماده ۲۱ خارج‌اند. مقاله توضیح می‌دهد که قانون‌گذار با اعتقاد به صحت اصل معامله به قصد فرار از دین، به جای بطلان یا عدم نفوذ، سازوکار «تعزیر مالی» را برای حمایت از طلبکار در نظر گرفته است. بر این مبنا، معامله صحیح مطلق است و مال منتقل شده صرف‌نظر از میزان محکوم‌به در اختیار بستانکار قرار می‌گیرد، بدون آن‌که منتقل‌الیه بتواند به محکوم‌علیه

برای استرداد ثمن مراجعه کند. نویسنده در نهایت نشان می‌دهد که تعزیر مالی به‌عنوان ابزاری برای جمع میان شریعت و مصلحت، در این حوزه همانند دیگر موارد پس از انقلاب، نقش مهمی در تأمین مصالح روز و حمایت از طلبکاران ایفا کرده است.

۹. «صلح عقدی معین و با نام یا عنوانی برای عقود غیر معین و بی‌نام» به قلم دکتر محمدباقر پارساپور: در مقاله حاضر نویسنده در مقام پاسخ‌گویی به این پرسش بوده است که با وجود نهاد صلح در فقه اسلامی چه نیازی بود که قانون‌گذار مدنی به وضع ماده ۱۰ اقدام کند؟ به بیان دیگر آیا با وجود گستره مدلول مواد ۷۵۲ تا ۷۵۴ مورد دیگری باقی می‌ماند تا مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی باشد؟ در پاسخ به پرسش فوق برخی استادان معتقدند که در وضع کنونی، ماده ۱۰ هیچ فایده‌ای در کنار عقد صلح ندارد و این دو نهاد حقوقی در واقع تکرار یک قاعده است؛ بنابراین اقتباس قانون‌گذار از حقوق فرانسه در وضع ماده ۱۰ امری بی‌مورد بوده است. بعضی دیگر از استادان در مقام جمع بین مقررات صلح و ماده ۱۰ برآمده و چنین گفته‌اند که هرچند با وجود ماده ۱۰ قانون مدنی نیازی نبود که صلح ابتدایی بدون هیچ خصوصیتی پذیرفته شود، ولی با این حال عقد صلح متمایز از قراردادهای مشمول ماده ۱۰ است. نتیجه به‌دست‌آمده در این تحقیق حکایت از آن دارد که گذشته از اینکه ماده ۱۰ قانون مدنی برخلاف تصور برخی استادان اقتباس از حقوق فرانسه نبوده و از ابداعات نویسندگان قانون مدنی است، قلمرو قراردادهای مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی به‌طور کلی متفاوت از عقد صلح بوده و این دو نهاد حقوقی هر یک در جای خود دارای آثار حقوقی متمایز می‌باشند.

۱۰. «بررسی قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول» به قلم دکتر علی پروینی: یکی از مهم‌ترین مسائل کشور تعیین تکلیف وضعیت مالکیت اراضی و املاک، تثبیت مالکیت اشخاص بر اموال غیرمنقول و جلوگیری از تزلزل و ابطال اسناد رسمی در برابر اسناد عادی برای تأمین امنیت این اموال است. نظام ثبتی ایران با سابقه‌ای بیش از

صد و بیست سال، بهرغم تلاش‌های فراوان به‌دلیل تصویب قوانین متعدد و پراکنده و نیز رواج معاملات عادی تاکنون سامان نگرفته و همین امر موجب افزایش اختلافات ملکی، دعاوی قضایی و کیفری، جرایم اقتصادی و تزلزل روابط حقوقی شده است. تا زمانی که این نظام اصلاح نشود، اهداف توسعه و پیشرفت کشور نیز محقق نخواهد شد، زیرا گسترش معاملات عادی بر کارآمدی برنامه‌ها در همه حوزه‌ها اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد. با وجود اجباری شدن ثبت رسمی، ممنوعیت پذیرش اسناد عادی در مراجع و تصویب قانون کاداستر، ساماندهی املاک کشور همچنان به‌دلیل رواج این اسناد محقق نشده است؛ حال آن‌که بسیاری از کشورها از جمله کشورهای اسلامی برای تثبیت مالکیت و تحقق اهداف اقتصادی، اسناد عادی معاملات اموال غیرمنقول را به‌طور مطلق یا نسبی فاقد اعتبار دانسته‌اند. این مقاله ضمن بررسی اهداف و ابعاد طرح الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول، به اشکالات آن پرداخته و پیشنهادهایی برای اصلاح و تسهیل اجرای طرح ارائه می‌کند.

**۱۱. «بازنگری در عقد رهن و قرارداد وثیقه با نقد ماده ۷ قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها»** به قلم دکتر محمدمهدی توکلی: یکی از عقود مهم و دارای سابقه فقهی که در حقوق نیز کاربرد بسیاری دارد، عقد رهن است. این عقد همچون دیگر عقود، با توجه به شرایط صحت و لزوم، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با سایر عقود دارد. قانون‌گذار با وضع ماده ۷ قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها مصوب ۱۴۰۲ عقد جدیدی به نام عقد وثیقه پیش‌بینی کرد که در مواردی با عقد رهن تعارض دارد. در این نوشتار تلاش شده است با تعریف مفاهیم هر دو عقد، تعیین مصادیق و رابطه آن‌ها، بیان دیدگاه‌های مختلف فقها و بازنگری در عقد رهن، راه‌حلی برای رفع این اختلاف ارائه شود. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که می‌توان معنای عرفی دو عنصر مهم «عین بودن» و «شرط قبض» که ماهیت اصلی عقد رهن را تشکیل می‌دهند، ملاک عمل قرار داد تا از بروز اختلاف و تعارض

جلوگیری شود. در مرحله دوم نیز نظریه‌ای تحت عنوان «نظریه تخصیص» مطرح گردید که بر اساس آن، در صورت عدم پذیرش رهن عرفی، باید در مواردی که مختص عقد رهن است، مانند عین بودن و شرط قبض، از عقد رهن استفاده کرد و در سایر موارد، همچون رهن منفعت، عقد وثیقه به کار گرفته شود.

۱۲. «مطالعه تطبیق مبانی و آیین «تعدیل قرارداد» در حقوق ایران و فرانسه» به قلم دکتر محمدهادی جواهرکلام: این مقاله به مطالعه تطبیقی مبانی و آیین تعدیل قرارداد در حقوق ایران و فرانسه می‌پردازد. نویسنده نشان می‌دهد که قانون‌گذار فرانسه در اصلاحات قانون مدنی ۲۰۱۶، با الهام از دکتترین، رویه قضایی و اسناد بین‌المللی، بازنگری در قرارداد را در صورت بروز حوادث پیش‌بینی نشده خارجی و برهم خوردن تعادل اقتصادی عوضین پذیرفته است؛ در حالی که در حقوق ایران هنوز مقاومت‌هایی در برابر پذیرش تعدیل قرارداد وجود دارد. مقاله با استناد به قواعد فقهی لاضرر، لاجرح و المیسور و همچنین بخشنامه‌های دولتی مربوط به جبران آثار تغییر قیمت ارز، بر لزوم پذیرش تعدیل قراردادها به‌عنوان قاعده‌ای عمومی تأکید می‌کند. افزون بر این، تجربه فرانسه در مواجهه با بحران‌هایی همچون پاندمی کرونا نشان داده است که قانون‌گذار این کشور علاوه بر قواعد عمومی، با دخالت‌های به‌موقع قانونی از متعهدان متضرر حمایت کرده است. نویسنده در پایان پیشنهاد می‌کند قانون‌گذار ایرانی با بهره‌گیری از این تحولات، ماده ۳۹ لایحه تجارت مصوب ۱۴۰۳ را اصلاح کرده و امکان و چگونگی تعدیل قرارداد را به‌صراحت در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی نماید.

۱۳. «مفهوم، مبنا و جایگاه اصل استحکام معامله در حقوق ایران» به قلم دکتر علی عباس حیاتی: اصول کلی حقوقی مفاهیمی با جایگاه رفیع در حقوق موضوعه‌اند؛ با گسترش دامنه این اصول می‌توان با دیدی جزئی‌تر و دقیق‌تر به مسائل نگریست. اصل استحکام معاملات یکی از مهم‌ترین و در عین حال کاربردی‌ترین اصول حقوقی در تمامی

نظام‌های حقوقی جهان است که در نظام حقوقی ایران از منظر کاربردی بسیار به آن استناد می‌شود، اما از نگاه نظری تاکنون هیچ مقاله، کتاب یا پایان‌نامه‌ای حتی یک پاراگراف مستقل به این اصل اختصاص نداده است و این امر نشان‌دهنده مغفول ماندن این مفهوم است. گویی حقوقدانان با وجود اصل التزام به تعهد و قاعده لزوم عقد، خود را از پرداختن به این اصل بی‌نیاز دانسته‌اند، حال آن‌که اصل استحکام معاملات مفهومی متمایز از سایر مفاهیم بوده و نباید با آن‌ها خلط شود.

۱۴. «رهن تملیکی یا رهن توثیقی: مطالعه‌های در نظام حقوقی حقوق کامن لا» به قلم دکتر جلیل قنواتی: این پژوهش به بررسی تطبیقی نظریه‌های مالکیت و حق حبس (رهن تملیکی یا توثیقی) در حقوق رهنی انگلستان و ایالات متحده می‌پردازد. در انگلستان، نظریه مالکیت تاریخی که مرتهن را مالک قانونی مال می‌دانست، با توسعه اصول انصاف و ایجاد حق استرداد برای رهن محدود شد. در مقابل، ایالات متحده ضمن پذیرش اصول کلی کامن لا، رویکردهای متنوعی میان ایالت‌ها اتخاذ کرده است؛ برخی بر نظریه مالکیت، برخی بر نظریه حق حبس و برخی بر ترکیبی از آن‌ها تأکید دارند. نظریه حق حبس در آمریکا رایج‌تر است و حق مالکیت رهن را حفظ می‌کند و اجرای حقوق مرتهن را منوط به فرایند قضائی می‌سازد. این تفاوت‌ها ریشه در شرایط اجتماعی، اقتصادی و حقوقی هر کشور دارد و نشان می‌دهد که نظام‌های قضائی و اصول انصاف نقش مهمی در تکامل حقوق رهن داشته‌اند. نتیجه آن است که حقوق رهنی در هر دو نظام به‌گونه‌ای تحول یافته که تعادلی میان حقوق وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان برقرار شود.

۱۵. «تحلیل اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز و استخراج ویژگی‌های مشترک موجود در آن‌ها در سطح بین‌المللی» به قلم دکتر سحر کریمی: اصول مشترکی بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز حاکم است که رعایت آن‌ها از پیش شرط‌های مقبولیت قالب‌های نوین در زمینه انعقاد این قراردادها به شمار می‌آید. از

مهم‌ترین این اصول می‌توان به اصل حاکمیت اراده طرفین و آزادی قراردادی، اصل آزادی ادله، اصل آزادی طرفین در انتخاب شیوه حل و فصل اختلافات، اصل الزام‌آور بودن توافقات، اصل برداشت صیانتی از مخازن و اصل رعایت ملاحظات زیست‌محیطی اشاره کرد. افزون بر این، قراردادهای بالادستی نفت و گاز، با وجود تنوع در قالب‌ها، دارای ویژگی‌های مشترکی همچون ماهیت بین‌المللی، پیچیدگی، تفکیک‌پذیری، طولانی‌مدت بودن و ارتباط مستقیم با کشور میزبان هستند. بنابراین، در انعقاد، اجرا، تفسیر و خاتمه این قراردادها و در ارائه نظریه‌های قابل اعمال بر آن‌ها، باید با رویکردی جامع و با توجه به تمام جوانب، بر رعایت اصول حاکم اهتمام ورزید و ویژگی‌های مشترک این عقود را نیز در نظر گرفت. به این ترتیب، با لحاظ ویژگی‌های مشترک قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز و اصولی که باید در تنظیم آن‌ها رعایت شود، زمینه برای امکان‌سنجی و اعمال نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف بر این قراردادها فراهم خواهد شد.

**۱۶. «مفهوم تقصیر در قراردادها بر مبنای تعهدات قراردادی در حقوق ایران و فرانسه»** به قلم دکتر علیرضا یزدانیان: مقررات قانون مدنی ایران در خصوص مسئولیت قراردادی در بخش قواعد عمومی قراردادها، بدون تردید از نظر محتوا و شکل ترجمه و الهام‌یافته از قانون مدنی فرانسه مصوب ۱۸۰۴ است. در قانون مدنی فرانسه تعریفی از تقصیر در قراردادها ارائه نشده و این دکتربین بوده است که به بیان مفهوم آن پرداخته است. با این حال، در نگاه نخست، برخی مواد این قانون نوعی تعارض را القا می‌کند؛ مشابه همین وضعیت در حقوق ایران نیز به چشم می‌خورد و می‌توان نوعی تعارض میان مواد قانون مدنی مشاهده کرد. با وجود این، دکتربین فرانسوی با تبیین مفهوم تقصیر در قراردادها و تفکیک میان تعهدات به نتیجه و تعهدات به وسیله، تلاش کرده‌اند این تعارض ظاهری را برطرف سازند. بر اساس این دیدگاه، تفاوت در بار اثبات تقصیر بسته به نوع و طبیعت تعهد معنا می‌یابد و در نتیجه، تعارضی وجود ندارد. چنین رویکردی می‌تواند

به‌عنوان یک نظر دکترین در حقوق ایران نیز مطرح شود و با نگاهی تطبیقی، راهگشای حل این مسأله باشد.

۱۷. «علامت مشهور» به قلم دکتر علیرضا محمدزاده وادقانی: علامت تجاری یکی از ارکان مهم حقوق مالکیت صنعتی است که حمایت از آن اصولاً با ثبت تحقق می‌یابد، اما «علامت مشهور» به دلیل شهرت ناشی از استعمال نیز مورد حمایت قرار می‌گیرد. این مفهوم در معاهدات بین‌المللی همچون معاهده پاریس و موافقت‌نامه تریس و نیز در قوانین داخلی ایران (۱۳۸۶ و ۱۴۰۳) مطرح شده است. با وجود این، میان نویسندگان در تعریف و شناسایی علامت مشهور اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آن را فاقد حمایت در حقوق داخلی دانسته و برخی دیگر آن را مشمول حمایت ملی و بین‌المللی می‌دانند. این مقاله به بررسی جایگاه علامت مشهور در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی ایران می‌پردازد.

۱۸. «ماجرای عدم‌النفع در نظام حقوقی ایران» به قلم دکتر حسین مهرپور: در این مقاله سیر تحولات نظری و تقنینی نهاد حقوقی «خسارت عدم‌النفع» در ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. نویسنده با بررسی مبانی فقهی موافقان و مخالفان، به این نتیجه می‌رسد که مطابق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ و ماده ۲۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی، مطالبه خسارت عدم‌النفع در نظام حقوقی ایران به‌طور کلی ممنوع است. این رویکرد برگرفته از نظر مشهور فقها و نیز تفسیر شورای نگهبان است. هرچند برخی نظریه‌پردازان حقوقی دیدگاه‌های متفاوتی مطرح کرده‌اند و نیازهای اقتصادی جامعه اقتضای بازنگری در این حوزه را دارد، وضعیت کنونی حقوق ایران بر عدم پذیرش خسارت عدم‌النفع استوار است. نویسنده در پایان تأکید می‌کند که بازتعریف مفهوم ضرر در پرتو شرایط زمان و مکان، بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی با نظام‌های حقوقی پیشرفته و ایجاد رویه قضایی واحد در این خصوص ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۱۹. «عدم تاثیر انتفاع مأذون در تحقق مسؤلیت مدنی (تحلیل و نقد نظریه مراغی در باره رابطه اذن و امانت)» به قلم دکتر محسن اسماعیلی: طبق نظر رایج و مشهور، اذن یکی از مسقطات ضمان است و بدون نیاز به تحقق شرط یا عنصر دیگری موجب زوال مسؤلیت مدنی می‌شود. با این حال، نظریه دیگری نیز مطرح شده است که اذن را به تنهایی برای نفی ضمان کافی نمی‌داند، بلکه عدم انتفاع مأذون را شرط رهایی او از بار مسؤلیت معرفی می‌کند. بر اساس این دیدگاه، اگر مأذون از تصرفاتی که به استناد اذن انجام می‌دهد منتفع گردد، در برابر خسارت‌های احتمالی ضامن است؛ به بیان دیگر، انتفاع مأذون مانع سقوط مسؤلیت مدنی خواهد بود. این نظریه اقلیت، مستند به نمونه‌هایی از حکم به ضمان مأذون است که به زعم مبتکر آن، میرعبدالفتاح مراغی، وجه مشترک همه آن موارد انتفاع مأذون از تصرفات خویش است؛ در حالی که همه موارد استنادی قابل توجیه و دارای پاسخ‌اند. افزون بر این، راه حل ابتکاری یادشده واجد ایرادهای متعدد و غیرقابل پذیرش است. با بررسی موارد نقض و تبیین ضعف‌ها و نارسایی‌های این نظریه، روشن می‌شود که انتفاع یا عدم انتفاع مأذون تأثیری در نفی مسؤلیت مدنی ندارد.

۲۰. «جستاری در نظریه عمومی تصحیح اشتباه» به قلم محمد درویش‌زاده: این مقاله درصدد است گزاره‌ی بنیادین «هرگونه خطا و اشتباهی باید تصحیح شود» را به مثابه نظریه‌ای عمومی در نظام حقوقی تبیین کند. پذیرش چنین نظریه‌ای به معنای الزام نظام حقوقی در عرصه‌های گوناگون - اعم از سیاست‌گذاری تقنینی، تفسیر قضایی و اجرای قوانین - به انعطاف در جهت تحقق عدالت و پیشگیری از بی‌عدالتی‌های ناشی از خطاهای اجتناب‌ناپذیر است. مقاله ضمن تحلیل مبانی، منابع، قلمرو و آثار این نظریه در حقوق ایران، به پیشینه تاریخی آن پرداخته و دامنه کاربرد آن را در فقه، حقوق و حتی سایر علوم

بررسی می‌کند. در پایان نیز پیامدهای پذیرش این نظریه برای نظام حقوقی ایران تحلیل شده است.

**۲۱. «حکومت الزام‌های قانونی سلامت محور بر تراضی پزشک و بیمار»** به قلم دکتر مرتضی قاسم‌زاده: در حقوق ایران مسئولیت پزشک می‌تواند قراردادی یا غیرقراردادی باشد. پزشک در صورت نقض تعهد قراردادی یا ارتکاب تقصیر، مسئول زیان‌های وارده است و دخالت بدون اذن یا قرارداد نیز موجب ضمان خواهد بود. بر اساس ماده ۴۹۵ ق.م.ا. جدید، پزشک تنها در صورتی از ضمان رها می‌شود که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا پیش از درمان براءت گرفته و مرتکب تقصیر نشده باشد. در عین حال، اگرچه رضایت و براءت بیمار آزادی اراده در روابط پزشک و بیمار را تقویت می‌کند، اما الزامات قانونی سلامت‌محور بر این تراضی حاکم است.

**۲۲. «تداخل اسباب در مسئولیت مدنی؛ فعل جانی و عمل پزشکی (نقد رأی وحدت رویه شماره ۸۰۴ دیوان عالی کشور)»** به قلم دکتر محمود کاظمی: یکی از مباحث اساسی در مسئولیت مدنی، تداخل عمل پزشکی با فعل جانی است؛ به‌ویژه زمانی که مجنی‌علیه در جریان درمان دچار زیان جدید می‌شود. رأی شماره ۸۰۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مقرر کرد که نه پزشک و نه جانی ضامن زیان ناشی از عمل پزشکی نیستند، اما این نتیجه با مبانی حقوقی و موازین شرعی سازگار نیست. این مقاله با نقد رأی مزبور نتیجه می‌گیرد که در صورت عدم احراز تقصیر پزشک، زیان ناشی از درمان از آثار جنایت نخستین است و جانی باید ضامن شناخته شود.

**۲۳. «وحدت مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران با نسخ ضمنی ماده‌ی ۲۲۱ قانون مدنی»** به قلم دکتر عباس کریمی: مسئولیت مدنی قراردادی یکی از اقسام مسئولیت مدنی است و از همین منظر پرسش بنیادینی مطرح می‌شود: آیا باید نظام واحدی بر مسئولیت مدنی حکم‌فرما باشد یا مسئولیت مدنی به دو شاخه قراردادی و

غیر قراردادی تقسیم گردد؟ نظام‌های حقوقی مختلف در پاسخ به این پرسش، راه‌حل‌های متفاوتی برگزیده‌اند؛ برخی قائل به نظام واحد شده‌اند و برخی دیگر نظام دوگانه را پذیرفته‌اند. در حقوق اسلامی و کشورهای متأثر از آن، از جمله ایران، نظام واحد به‌عنوان مبنای ضمان قهری پذیرفته شده است. در مقابل، نظام‌های غربی اعم از کامن‌لا و حقوق نوشته، بیشتر بر پایه نظام دوگانه عمل کرده‌اند. قانون مدنی ایران نیز با تصویب ماده ۲۲۱ به بعد، از سنت پیشین فاصله گرفت و نظام دوگانه مسئولیت مدنی را مقرر داشت. این مقاله با نگاهی تطبیقی به تحولات اخیر در غرب - که به سمت بازگشت به نظام واحد مسئولیت مدنی حرکت کرده‌اند - می‌کوشد وضعیت کنونی حقوق ایران را بررسی کند. نویسنده بر این باور است که با نسخ ضمنی ماده ۲۲۱ قانون مدنی، نظام واحد بار دیگر به حقوق ایران بازگشته است. بر همین اساس، مقاله ابتدا به پیشینه تقنینی ماده ۲۲۱ می‌پردازد (مبحث ۱) و سپس به تحلیل میزان پایبندی حقوق ایران به نظام دوگانه و امکان بازگشت به نظام واحد می‌پردازد (مبحث ۲).

**۲۴. «جبران خودبه‌خودی زیان بدنی»** به قلم دکتر عباس میرشکاری: ممکن است پس از وقوع زیان بدنی، بخشی از آن یا حتی تمام آن جبران شود؛ در این صورت به همان میزان از مسئولیت عامل زیان کاسته خواهد شد. با این حال، باید توجه داشت که کاهش زیان باید طبیعی و بدون دخالت عامل انسانی باشد. از منظر حقوق شکلی نیز بهره‌گیری دادگاه از ماده ۵ ق.م.م. در تعیین آثار قطعی زیان وارده مؤثر است؛ البته در صورت جبران خودبه‌خودی زیان و قطعی شدن حکم، جز توسل به اعاده دادرسی راه دیگری وجود نخواهد داشت.

**۲۵. «مبانی و شیوه رسیدگی به اعتراض در انواع آرای داوری»** به قلم دکتر علیرضا آذربایجانی: تقویت فرهنگ ارجاع دعاوی به داوری مستلزم تبیین مزایای آن برای مردم و تقویت ضمانت اجرای آرای داوری است. این پژوهش با تحلیل انواع داوری از جمله مدنی،

دولتی، خصوصی‌سازی، مصرف‌کنندگان خودرو، دعاوی بورس و اوراق بهادار و قراردادهای تجاری بین‌المللی، به بررسی شرایط اجرای رأی و اعتراض به آن می‌پردازد. نتیجه آن است که حفظ حقوق محکوم‌له و در عین حال توجه به حقوق محکوم‌علیه، همراه با تطبیق وجوه مشترک و متفاوت هر دسته داوری، می‌تواند به ارتقای نظام داوری و استحکام آرای آن بینجامد.

**۲۶. «چالش‌های داوری گروهی در داوری تجاری بین‌المللی»** به قلم دکتر همایون مافی: دعاوی گروهی ابتدا در دادگاه‌های آمریکا مطرح شدند، اما با تصمیمات دیوان عالی این کشور، امکان طرح آن‌ها در مراجع داوری نیز فراهم شد. با وجود تلاش برخی ایالات برای منع داوری گروهی، داوران با تفسیر شروط داوری، این دعاوی را پذیرفته‌اند و برخی ایالات نیز شروط ممنوعیت آن را خلاف عدالت دانسته‌اند. با این حال، تفسیر شروط ساکت یا مبهم به نفع داوری گروهی و نیز اجرای آرای داوری گروهی بین‌المللی با چالش‌هایی همچون نقض تشریفات دادرسی، داوری ناپذیری و مغایرت با نظم عمومی مواجه است. این مقاله به تحلیل این چالش‌ها در چارچوب داوری تجاری بین‌المللی می‌پردازد.

**۲۷. «درآمدی بر نظریه عمومی معیار «نوعی نسبی» در حقوق مدنی به مثابه ابتکاری از استاد سید حسین صفایی»** به قلم دکتر علیرضا آیین: نظریه‌های حقوقی نقش بنیادین در هدایت داده‌های حقوقی و تضمین عقلانیت نظام حقوقی دارند. یکی از جلوه‌های آن‌ها «معیار حقوقی» است که در تقنین، تفسیر و اجرا نقش آفرین است. در تاریخ اندیشه حقوقی دو رویکرد اصلی مطرح بوده است: شخصی‌گرایان که اوصاف فردی را ملاک می‌دانند و نوعی‌گرایان که جریان‌های عادی حیات بشری را مبنا قرار می‌دهند. این مقاله با نقد هر دو دیدگاه، معیار «نوعی نسبی» را به‌عنوان ترکیبی روشمند و منعطف از دو معیار شخصی و نوعی معرفی می‌کند.

۲۸. «رابطه حقوق با زیر ساخت اقتصادی و اجتماعی» به قلم دکتر نجادعلی الماسی: مقاله حاضر ترجمه‌ای از بخشی از کتاب پولانزاس با عنوان «طبیعت اشیاء و حقوق» است و به بررسی نسبت میان حقوق و زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌پردازد. در بخش نخست این کتاب، نویسنده به هستی‌شناسی حقوق می‌پردازد و در بخش دوم، داده‌های فلسفی حوزه هستی‌شناسی را به عرصه جامعه‌شناسی منتقل کرده و از منظر جامعه‌شناسی حقوق به تحلیل می‌نشیند. این مقاله بر اهمیت رابطه میان روساخت حقوقی و زیربنای اقتصادی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که در تحلیل‌های حقوقی مبتنی بر جامعه‌شناسی نمی‌توان این ارتباط را نادیده گرفت. در برخی حوزه‌ها مانند حقوق تجارت، اموال و قراردادهای این ارتباط مستقیم و بی‌واسطه است، اما در حوزه‌هایی چون حقوق اشخاص، این رابطه به‌طور غیرمستقیم و از رهگذر مفاهیمی همچون جهان‌بینی برقرار می‌شود. مقاله با تمرکز بر همین نوع رابطه غیرمستقیم، به تحلیل و واکاوی چند گفتار کلیدی پرداخته و نقش میانجی‌گری مفاهیم در پیوند میان هستی‌شناسی حقوق و جامعه‌شناسی حقوق را برجسته می‌سازد.

۲۹. «سرو و ماه (در باب «کشور» همچون فرّه حقوق)» به قلم دکتر حسن جعفری تبار: مشکل حقوق ایران فقدان حاکمیت قانون نیست؛ اتفاقاً قانون به صورت شرع در حدّ اعلامی خود در ایران حاکم است. آن چه حقوق ایران از آن رنج می‌برد نبود اقتدار مٔکی بر «مُلک ایران» است. اقتدار برای هر نظام حقوقی با دیگری متفاوت است؛ سرو و ماه نظریه ایرانی اقتدار حقوقی است، و می‌توان آن را این گونه توجیه کرد که اگر قانونی که نهاده شده برای کشور ایران و ایرانیان مطبوع است، بی‌گمان متبوع آنان نیز قرار خواهد گرفت. اتوریتة حقوقی امری است تاریخی و جغرافیایی و در یک کلام امری «کشوری». هم قدمت میهن و هم وسعت جغرافیای آن به ذات خود دارای ارزش است و شهروندان را به اطاعت از قانون کشور خود دعوت می‌کند به شرطی که آن قانون در خدمت آبادی ایران باشد.

بدینسان، هیچ پایانی برای اهمیت جغرافیا در حقوق و سیاست نیست، و کشور و مُلک تنها چیزی است که نگاه مُلکران باید ازلاً و ابداً به آن باشد؛ اقتداری که ایرانیان به آن فرّه ایرانی و فرّه کیانی می‌گفتند.

۳۰. «حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی» به قلم دکتر محمد جعفر حبیب‌زاده: تحقق عدالت کیفری و تضمین اجرای صحیح قواعد ماهوی حقوق کیفری مستلزم تدوین مقررات شکلی مناسب و بهره‌گیری از موازین دادرسی عادلانه است که بخشی از آن در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. اتقان این مقررات نه تنها امکان تفکیک بزهکاران از بی‌گناهان را فراهم می‌سازد، بلکه ابزاری برای تضمین حقوق متهمان و جلوگیری از خودسری و استبداد رأی مجریان نظام عدالت کیفری خواهد بود. تحولاتی که در مقررات آیین دادرسی کیفری ایجاد شده، بازتابی از دگرگونی‌های فکری دو دهه اخیر و توجه گسترده‌تر به اسناد بین‌المللی حقوق بشر است. از جمله، در زمینه تضمین حقوق دفاعی متهم، حق برخورداری از وکیل و مشاور حقوقی به صراحت در این اسناد پیش‌بینی شده و در نتیجه، حق دفاع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی تقویت گردیده است. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های دادرسی منصفانه، امکان بهره‌مندی متهم از وکیل یا مشاور حقوقی در فرآیند کیفری، به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی است؛ مرحله‌ای که به‌مثابه سنگ‌بنای فرآیند کیفری شناخته می‌شود و می‌تواند در مرحله صدور حکم، اصل تناسب و عدالت در مجازات را تضمین نماید.

۳۱. «کمیسیون حقوق بین‌الملل و ثمره هفتاد سال تلاش برای تدوین حقوق مسئولیت بین‌المللی» به قلم دکتر سید قاسم زمانی: این مقاله به تبیین جایگاه حقوق مسؤولیت بین‌المللی به‌عنوان بخش اصلی قواعد ثانویه حقوق بین‌الملل می‌پردازد. نویسندگان ابتدا با توضیح تقسیم قواعد حقوقی به قواعد اولیه و ثانویه، جنبه تبعی و مؤخر بودن قواعد مسؤولیت را تبیین می‌کند و سپس روند تاریخی تلاش‌ها برای تدوین قواعد

مسئولیت بین‌المللی، از کنفرانس لاهه ۱۹۳۰ تا اقدامات کمیسیون حقوق بین‌الملل پس از تأسیس سازمان ملل متحد را بررسی می‌نماید. گرچه هیچ‌یک از طرح‌های کمیسیون به معاهده‌ای الزام‌آور تبدیل نشدند، اما کارکرد موفق آن در چارچوب‌بندی، مستندسازی و شفاف‌سازی اصول و قواعد مسئولیت بین‌المللی و تأثیرگذاری بر دکتربین، رویه قضایی و داوری‌های بین‌المللی به‌عنوان میراثی ارزشمند مورد تأکید قرار گرفته است.

**۳۲. «ترجمه اثر نامطلوب قانون»** به قلم دکتر غلامعلی سیفی زیناب: این مقاله که به قلم فیلیپ مالوری، استاد برجسته دانشگاه سوربن، نگاشته شده و در کتاب «نوشته‌های یک زندگی» آمده است، با عنوان «اثر نامطلوب قانون» انتخاب، ترجمه و تلخیص گردیده است. مقاله نخستین بار در سال ۱۹۹۵ میلادی به مناسبت بزرگداشت ژرار کورنو منتشر شد و هدف آن نشان دادن این واقعیت است که برخی مقررات قانونی، به دلیل عدم ابتنا بر واقعیات عینی و خارجی، افراط در احکام اعلامی یا استفاده آزمایشی از قانون با وجود آثار برگشت‌ناپذیر، نه تنها به عدالت و تحقق اهداف مقنن یاری نمی‌رسانند بلکه نتیجه‌ای معکوس در پی دارند. این ترجمه به‌عنوان ادای احترام به مقام علمی دکتر سید حسین صفایی، استاد نامدار حقوق ایران، ارائه شده است؛ استاد بزرگی که همانند مالوری با نگاهی دقیق، تحلیلی و مصلحت‌گرایانه در حوزه‌های مختلف حقوق، به‌ویژه حقوق اشخاص، قراردادها، مسئولیت مدنی و قانونگذاری، آثار ارزشمندی را به یادگار گذاشته‌اند.

**۳۳. «جنین به مثابه کودک با تکیه بر رای دادگاه آلاباما»** به قلم دکتر محمود عباسی: این مقاله به بررسی رأی بحث‌برانگیز دادگاه عالی ایالت آلاباما در فوریه ۲۰۲۴ می‌پردازد؛ رأیی که برای نخستین بار رویان‌های خارج از رحم حاصل از فرآیند لقاح آزمایشگاهی (IVF) را در زمره «کودکان» قرار داده و حمایت‌های قانونی برابر با کودکان متولدشده را برای آن‌ها مقرر داشته است. نویسنده با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر پایه اسناد حقوقی، آراء و متون فقهی و فلسفی، به بازاندیشی در مفهوم «جنین به مثابه کودک» می‌پردازد و پیامدهای

حقوقی، اخلاقی و اجتماعی این رأی را واکاوی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که رأی آلاباما، با تأکید بر قداست زندگی و کرامت انسانی، امکان اقامه دعوی والدین علیه آسیب به جنین‌های ذخیره‌شده را فراهم آورده، اما همزمان چالش‌هایی جدی در زمینه حقوق والدین، مسئولیت کلینیک‌های باروری، اصول قانون اساسی آمریکا و مباحث مرتبط با سقط جنین ایجاد کرده است. مقاله نتیجه می‌گیرد که هرچند رأی مزبور افقی نو در پیوند میان اخلاق و حقوق می‌گشاید، اما نبود چارچوب قانونی جامع و تعارض با اصول بنیادین حقوقی و پزشکی، ضرورت اصلاح قوانین و هماهنگ‌سازی رویه‌های قضایی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

در پایان لازم به ذکر است که مجموعه حاضر تنها گامی کوچک در مسیر اعتلای ادبیات حقوقی کشور است و هدف اصلی آن تسهیل دسترسی پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان به مباحث تخصصی حقوق می‌باشد. به همین منظور، تمامی این چکیده‌ها در سایت رسمی انتشارات داد و دانش و نیز در دانشنامه آنلاین ویکی حقوق منتشر می‌شود تا ضمن ایجاد امکان بازیابی و استناد در جستجوهای اینترنتی، مرجعیتی معتبر برای مراجعه محققان فراهم گردد. انتشار این چکیده‌ها در بسترهای یادشده سبب خواهد شد که آثار ارائه‌شده در این مجموعه در معرض دید جامعه علمی گسترده‌تری قرار گیرد و پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون حقوق بتوانند با اتکای به این منابع، مسیر تحقیقات خود را روشن‌تر و کارآمدتر سازند.

دبیرخانه همایش ملی تجلیل از مقام علمی

استاد دکتر سید حسین صفایی